

نقش امام سجاد علیه السلام در هدایت جامعه

از دیدگاه رهبر معظم انقلاب

دکتر راضیه علی اکبری *

اشاره

اگر تا دیروز معرفی امام علی بن حسین علیه السلام با لقب «بیمار کربلا» را ظلم به حضرت می دانستیم، بی گمان امروز نیز شناخت حضرت صرفاً با لقب «سجاد» و دعاهای صحیفه سجادیه، ظلمی دیگر در حق ایشان است. از این رو، شایسته است که زندگی آن امام همام را از ابعاد گوناگون مورد توجه قرار دهیم و از اظهار نظرهای تک بعدی درباره سیره ایشان پرهیز نماییم.

پیشوای چهارم علیه السلام در همه جهات اخلاقی، عبادی و علمی، نمونه عینی قرآن و رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. در دوران سیاه حکومت اموی که ارزش های انسانی و فضایل اخلاقی به فراموشی سپرده شده بود و مردم به جای مشاهده زهد، ساده زیستی، تواضع، نوع دوستی، نرم خوئی و رعیت پروری در زمامداران خود که خویشان را خلیفه پیامبر صلی الله علیه و آله قلمداد می کردند، شاهد دنیا طلبی، اشرافیت،

* مدرس دانشگاه و حوزه.

تجمل‌گرایی، خودمحوری و بزرگ‌بینی آنان بودند. در چنین فضایی، آن امام بزرگوار، همچون خورشیدی فروزنده درخشید و وجودش تجلی‌بخش همه فضایل و ارزش‌های فراموش شده گشت؛ چنان‌که دوست و دشمن را به تحسین و شگفتی واداشت.^۱

حضور امام چهارم علیه السلام در عرصه‌های فردی و اجتماعی و شرکت پویا و سازنده در تعاملات سیاسی، از مهم‌ترین ابعاد زندگی امام سجاد علیه السلام است. مقاله حاضر، به بازشناسی نقش ایشان در پاسداری از دین و تقویت و تحکیم ارزش‌های اسلامی در جامعه می‌پردازد. گفتنی است، نویسندگان متعددی در مورد زندگی امام سجاد علیه السلام آثاری را به رشته تحریر درآورده‌اند؛ اما نوشتار پیش رو، بیشتر با بهره‌گیری از بیانات رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) تهیه و تنظیم گردیده است.

بایستگی شناخت جهت‌گیری کلی زندگی امام سجاد علیه السلام

سیره زندگی هر شخصی آنگاه روشن می‌شود که جهت‌گیری کلی زندگی او شناخته شود و سپس، حوادث جزئی زندگی‌اش مورد بررسی قرار گیرد. «اگر آن جهت‌گیری کلی دانسته شود، جست‌وجوی حوادث جزئی هم معنا پیدا می‌کند. در بررسی زندگی امام سجاد علیه السلام مشاهده می‌شود که حوادث متنوع و جالب توجه بسیاری وجود دارد که برای شناخت شخصیت و زندگانی امام، مهم و ضروری است».^۲

وقتی امام حسین علیه السلام در جریان کربلا به شهادت رسید و حضرت سجاد علیه السلام با آن وضع بیماری به اسارت درآمد، در حقیقت جهت‌گیری کلی امام زین

۱. برگرفته از: علی رفیعی، تاریخ اسلام در عصر امامت امام سجاد و امام باقر علیه السلام، ص ۱۷-۲۱.

۲. سید علی خامنه‌ای، انسان ۲۵۰ ساله، ص ۱۸۹.

العابدین علیهم السلام از آن لحظه آغاز شد. ایشان در صدد تحقق همان آرمانی بودند که امام حسن و امام حسین علیهم السلام آن را دنبال می‌کردند. ورود به زندگی امام سجاده علیهم السلام، با این دقت و توجه، بیانگر این حقیقت است که آن بزرگوار، انسانی است که در راه هدف مقدس «تحقق حکومت خدا در زمین و عینیت بخشیدن به اسلام»، تمام کوشش خود را به کار برد و از کارآمدترین فعالیت‌ها بهره گرفت و قافله اسلامی را که پس از واقعه عاشورا در کمال پراکندگی و آشفتگی بود، تا اندازه چشمگیری پیش برد و مأموریت بزرگ و مسئولیت اصلی حفظ اسلام را جامه عمل پوشاند و سیاست و شجاعت و دقت و ظرافت در کارها را به نیکویی رعایت نمود. امام سجاده علیهم السلام همانند همه پیامبران و مردان موفق تاریخ، پس از ۳۵ سال مبارزه خستگی‌ناپذیر و به انجام رساندن بار رسالت، سرافراز و سربلند چشم از دنیا فروبست و مأموریت حفظ اسلام و هدایت جامعه را به امام بعد از خود، یعنی امام باقر علیهم السلام سپرد.^۱

نقش آفرینی امام در عرصه‌های مختلف

یزیدبن معاویه (۶۱ - ۶۴ق)، عبدالله بن زبیر (۶۱ - ۷۳ق)، معاویه بن یزید (چند ماه از سال ۶۴ق)، مروان بن حکم (نه ماه از سال ۶۵ق)، عبدالملک بن مروان (۶۵ - ۸۵ق) و ولیدبن عبدالملک (۸۶ - ۹۴ق)، از جمله خلفای عصر امامت حضرت سجاده علیهم السلام بودند. این دوران، دورانی ناامیدکننده برای امام و خفقان به شمار آمد؛ زیرا حکومت‌های ستمگر، عرصه را بر امام و یاران او تنگ کرده و در همه جا ترس و وحشت حکم فرما بود و در سراسر جوامع اسلامی، بیش از یکی دو سه تن مسلمان واقعی باقی نمانده بود. امام سجاده علیهم السلام درباره وضع مکه و مدینه فرمود: «مَا بِمَكَّةَ وَالْمَدِينَةَ عَشْرُونَ رَجُلًا يُحِبُّنَا؛^۲ در تمام مکه و مدینه،

۱. همان، ص ۱۹۰.

۲. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۱۴۳.

بیست نفر که محبّ واقعی ما باشند، دیده نمی‌شود.»

این روایت، تابلوی زنده و گویایی است که سیمای جامعه اسلامی آن روز را در برابر ما قرار می‌دهد. در چنین دوره‌ای بود که علی بن حسین علیه السلام می‌بایست زمام امور را در دست می‌گرفت و به نام انجام وظیفه امامت، اسلام را از یک سقوط قطعی نجات می‌بخشید. فاصله اسلام با نابودی، بیش از یک قدم نبود؛ زیرا در و دیوار ممالک اسلامی از تیرگی گناه سیاه شده بود و قدرت‌ها همه در دست مخالفان اسلام بود. در این فضای بسته سیاسی، مشکل دیگری وجود داشت و آن اینکه همه زندگی امام سجاده علیه السلام زیر دید جاسوسان حکومتی قرار داشت؛ نمونه کوچک آن، این است که امام سجاده علیه السلام کنیزی داشت که او را آزاد کرد و سپس با او ازدواج نمود. این خبر، به عبدالملک بن مروان در شام رسید و او نامه عتاب‌آمیزی به حضرت ارسال نمود.^۱

آری، امام باید در چنین شرایطی که باور به فضایل اخلاقی به شدت ضعیف شده و خود نیز شدیداً تحت نظر قرار دارد، در عرصه‌های مختلف با انحراف‌های عقیدتی و ناراستی‌ها مبارزه کند.

۱. عرصه اعتقادی

یکی از مهم‌ترین اهداف تربیتی حضرت امام سجاده علیه السلام در صحیفه سجادیه، تقویت هرچه بیشتر موضوع شناخت خداوند در جامعه است. بدین منظور، امام علیه السلام در دعا‌های بسیاری به مسئله «خداشناسی» پرداخته است و با اشاره به موضوعات توحیدی و صفات الهی مانند: خالق، قادر، رحیم، غنی، قوی، منعم، عزیز و حکیم، به تقویت و تعمیق شناخت انسان کمک می‌کند؛ چنان‌که امام سجاده علیه السلام در نخستین دعا، ضمن حمد و سپاس خداوند به شناساندن حق تعالی

۱. برگرفته از: شیخ کلینی، کافی، ج ۵، ص ۳۴۴.

می پردازد و می فرماید:

«الَّذِي قَصَّرَتْ عَنْ رُؤْيَيْهِ أَبْصَارُ النَّاطِرِينَ، وَعَجَزَتْ عَنْ نَعْتِهِ أَوْهَامُ الْوَاصِفِينَ، ابْتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ ابْتِدَاعًا، وَاخْتَرَعَهُمْ عَلَى مَشِيئَتِهِ اخْتِرَاعًا؛^۱ خدایی که دیده بینندگان از دیدنش کوتاه، و اندیشه و فهم وصف کنندگان از وصفش ناتوان است. به دست قدرتش آفریدگان را ایجاد کرد و آنان را بر اساس اراده خود صورت بخشید.»

بزرگترین نقش امام سجاده عليه السلام این است که مفاهیم و حقایق ناب و ارزشمندی همچون توحید، معاد، نبوت، مقام معنوی انسان و ارتباط او با خدا را در قالب دعا تدوین کرده است. نیایش های صحیفه سجادیه با حمد خدا و درود بر حاملان عرش و ملائک مقرب و پیروان پیامبر صلی الله علیه و آله و مؤمنان آغاز می گردد. بعد از آن، به بیان رابطه انسان با خدا از یک سو، و رابطه خدا با انسان از سوی دیگر می پردازد و این معنا را یادآور می شود که رابطه انسان با خویش و جامعه نیز در امتداد این دو ارتباط معنوی شکل می گیرد و تداوم می یابد.^۲

هر دعا در صحیفه سجادیه، یک درس از معارف اسلامی و قرآنی است. از این رو، پس از قرآن مجید و نهج البلاغه، بزرگترین و مهم ترین گنجینه گران بهای حقایق و معارف الهی به شمار می رود؛ به طوری که به آن لقب «أخت القرآن» (خواهر قرآن) و «انجیل اهل بیت» عليه السلام داده اند^۳ و در بین قدمای نیز به «زبور آل محمد صلی الله علیه و آله» معروف است.

حضرت امام خمینی رحمته الله علیه از صحیفه سجادیه به عنوان «قرآن صاعد» یاد می کند و

۱. صحیفه سجادیه، دعای اول، بند ۲ و ۳.

۲. برگرفته از: حسین انصاریان، تفسیر و شرح صحیفه سجادیه، ج ۱، ص ۱۰.

۳. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۷، ص ۴۲ - ۴۵.

می فرماید:

«صحیفه کامله سجادیه، نمونه کامل قرآن صاعد است و از بزرگ‌ترین مناجات عرفانی در خلوتگاه اُنس است که دست ما کوتاه از نیل به برکات آن است؛ آن، کتابی است الهی که از سرچشمه نور اَللّٰه نشئت گرفته و طریقه سلوک اولیای بزرگ و اوصیای عظیم‌الشان را به اصحاب خلوتگاه الهی می‌آموزد. صحیفه سجادیه، سبک بیان معارف الهیه اصحاب معرفت را چون سبک قرآن کریم بدون تکلف الفاظ در شیوه دعا و مناجات، برای تشنگان معارف الهیه بیان می‌کند. این کتاب مقدس، چون قرآن کریم، سفره الهی است که در آن، همه گونه نعمت موجود است و هرکس به مقدار اشتیاق معنوی خود، از آن استفاده می‌کند.»^۱

بنابراین «امام سجاد علیه السلام برای مقابله با افکار انحرافی عصر خویش، در قالب دعا به تبیین اندیشه اصیل اسلامی پرداخت و اصول اعتقادی اسلام را به روشی صحیح معرفی کرد و به انسان‌های حقیقت‌جو و پیروان خویش ارائه داد».^۲ رهبر فرزانه انقلاب در اشاره به این معنا می‌فرماید:

«شما دعای اول صحیفه سجادیه را که در [باره] توحید است، نگاه کنید؛ دعای دوم را که درباره پیغمبر است، نگاه کنید؛ دعای سوم را که درباره مؤمنین است، نگاه کنید؛ ببینید اصلاً چه هست. دعای پنجم صحیفه سجادیه: «اللَّهُمَّ اغْنِنَا عَنْ هِبَةِ الْوَهَابِينَ بِبَهْتِكَ، وَاکْفِنَا وَخْشَةَ الْقَاطِعِينَ بِبِصَلَّتِكَ.»^۳ اینها حرف‌های خیلی مهمی است؛ قطع قاطعین، شما را وحشت‌زده نکند؛ وقتی به خدا متصلید.

۱. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۲۰۹.

۲. مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان، ص ۲۴۸ و ر.ک: محمدباقر موحد ابطحی، صحیفه سجادیه جامعه، ص ۳۱۶.

۳. صحیفه سجادیه، ص ۴۶.

اینکه می‌گوید «وَ اَكْفِنِي» این در واقع دارد درس می‌دهد به ما؛ فقط خواستن از خدا نیست؛ خواستن از خدا هم هست؛ اما فقط آن نیست. دارد به ما می‌گوید شما اکتفا کن به صله با پروردگار. بگذار همه دنیا [ارتباطشان را] قطع کنند؛ به قول خودشان، [تورا] منزوی کنند؛ به درک! انزوی آنها چه ضرری به ما می‌زند؟ حالا از انزوا خارج شدیم، چه خیری بردیم؟ حالا مثلاً از انزوا خارج شدیم، کجاست [آن منفعت]؟ چه فایده‌ای را از خروج از انزوا [بردیم]؟ اینها، ببینید معارف اسلامی است. «أَغْنِنِي عَنْ هَيْبَةِ الْوَهَّابِينَ بِهَيْبَتِكَ». هبه تو مهم است؛ بخشش تو مهم است؛ هبه و هابین چه اهمیت دارد که به ما هبه کنند و بخشش کنند و کمک کنند؟ غرض [اینکه] اینها، یک دنیایی است.^۱

همچنین، یکی از نتایج دعا‌های امام سجاده علیه السلام، این است که امامت و خلافت پیغمبر صلی الله علیه و آله را برای مردم تبیین کرد تا در ذهن مردم، این باور به وجود نیاید که امامت، یعنی همین حکومتی که در حال حاضر، حگام جور عهده‌دار آن هستند.^۲

برترین شیوه‌های تبلیغی امام سجاده علیه السلام در: «تبیین و توضیح» برای عده‌ای، «سازمان‌دهی» برای جمعی، و «راهنمایی و راهگشایی» برای گروهی دیگر خلاصه می‌شد. در این مسیر «امام سجاده علیه السلام را انسانی بردبار می‌یابیم که در طول ۳۰ تا ۳۵ سال سعی می‌کند زمینه شدیداً نامناسب جهان اسلام را به سویی سوق دهد که در آن میان، خود آن حضرت و یا جانشینانش بتوانند فعالیت‌ها و تلاش‌های اصلی و نهایی را برای ایجاد جامعه و حکومت اسلامی به وجود آورند؛ به طوری که اگر ۳۵ سال تلاش امام سجاده علیه السلام را از دوران ۲۵۰

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۵/۱۲/۵.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب، خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۶۷/۶/۴.

ساله زندگی ائمه علیهم‌السلام حذف کنیم، قطعاً راه برای امامان بعدی همچون امام باقر و صادق علیهم‌السلام هموار نمی‌شد تا بتوانند به فعالیت‌های دینی، اجتماعی و علمی بپردازند. بنابراین، امام سجاد علیه‌السلام زمینه فکری و ذهنی لازم برای ایجاد یک جامعه اسلامی را با همه زحمت و توان‌فرسایی‌اش، در طول سالیانی دراز به عهده گرفت».^۱

۲. عرصه اخلاقی

در دوران امام سجاد علیه‌السلام، «حاکمیت با خلفای بنی امیه بود و انحطاط اخلاقی جامعه بیشتر شده بود و اهل بیت علیهم‌السلام نیز مورد بی‌توجهی بیشتری قرار می‌گرفتند و بر منبرها مورد لعن واقع می‌شدند».^۲ در چنین جامعه‌ای و با در نظر گرفتن محدودیت و فشار سیاسی حاکم، «امام سجاد علیه‌السلام زبان دعا و نیایش را به عنوان راهکاری مناسب برای مقابله با چنین وضعیتی انتخاب نمود و با این روش حکیمانه، جامعه‌ای را که در حالت رکود اخلاقی بود، تحرکی دوباره بخشید و نور ایمان را در دل‌های تیره و تار آنان زنده کرد. اساساً در زندگی امام چهارم علیه‌السلام، چند بُعد وجود دارد که یکی از آنها «اخلاق» یا تربیت و تهذیب جامعه اسلامی است؛ چه بسا بخش مهمی از مشکلات اساسی دنیای اسلام که به فاجعه کربلا انجامید، ناشی از انحطاط و فساد اخلاقی مردم بود».^۳

اگر مردم از اخلاق اسلامی صحیح برخوردار بودند، یزید، ابن زیاد، عمر سعد و دیگران نمی‌توانستند آن فاجعه اسف‌بار را بیافرینند. چنانچه مردم از آرمان‌های اصیل دینی دور نشده بودند و ردائیل بر آنها حاکم نبود، ممکن نبود حکومت‌ها،

۱. سید علی خامنه‌ای، انسان ۲۵۰ ساله، ص ۲۲۱.

۲. حموی، معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۹۲.

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب، در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۲/۴/۲۳.

هرچند فاسد و بی‌دین و جائز، بتوانند مردم را به ایجاد چنان فاجعه عظیمی، یعنی کشتن سلاله پیغمبر و فرزند فاطمه زهرا علیها السلام وادار کنند.

وقتی اخلاق در یک ملت زایل شود، همه ابعاد زندگی فاسد خواهد شد؛ «نکته ای که امام سجاده علیها السلام به خوبی آن را دریافت و آنگاه کمر به پاک کردن این زشتی از چهره جامعه بست و تلاش نمود اخلاق را در جامعه اسلامی ترویج دهد. در این راستا، دعای مکارم الأخلاق و ادعیه صحیفه سجادیه را بیان نمود که در واقع، نوعی درس علم النفس است و یکایک خصوصیات معنوی و اخلاقی و ریشه‌های فاسدی را که در نفس انسان به وجود آمده، با زبان دعا معرفی می نماید»^۱ و مطالب عمیق و مضامین ارزنده و گران‌قدری را به جامعه اسلامی، به‌ویژه برای شیعیان و محبتان خویش منتقل می‌کند.

همچنین، در فرازهای فراوانی از صحیفه سجادیه امام علیها السلام درباره همسایگان و دوستان اهل بیت علیهم السلام می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَوَلَّنِي فِي حَيْرَانِي وَمَوَالِي الْعَارِفِينَ بِحَقِّنَا، وَالْمُنَابِذِينَ لِأَعْدَائِنَا بِأَفْضَلِ وَلَايَتِكَ، وَوَقِّفْهُمْ لِإِقَامَةِ سُنَّتِكَ، وَالْأَخْذِ بِمَحَاسِنِ أَدَبِكَ فِي إِزْفَاقِ ضَعِيفِهِمْ، وَسَدِّ خَلَّتِهِمْ، وَعِيَادَةِ مَرِيضِهِمْ، وَهِدَايَةِ مُسْتَرْشِدِهِمْ»^۲

بارخدا یا! بر محمد و آلش درود فرست و مرا در خصوص رعایت حق همسایگان و دوستانم که به حق ما معرفت دارند و با دشمنان ما در ستیزند، به بهترین صورت یاری نما، و ایشان را برای به‌پاداشتن سنت خود و به‌کارگرفتن آداب نیکویت در ارفاق به ضعیفان و برآوردن حاجت آنان و عیادت بیماران و هدایت راهجویان و خیرخواهی برای مشورت‌کنندگان، کمک کن.

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب، دیدار با گروهی از پاسداران سپاه، ۱۳/۰۹/۱۳۷۶.

۲. صحیفه سجادیه، دعای ۲۶.

۳. عرصه سیاسی - اجتماعی

امام سجاد علیه السلام در قیام خونین کربلا مدت کوتاهی بیمار بود؛ اما برخی مردم به این بزرگوار لقب «بیمار کربلا» دادند؛ درحالی‌که ایشان فقط در طی همان چند روز واقعه عاشورا بیمار بود و ادامه پیدا نکرد و البته طبیعی است که هرکسی در مدت عمرش چند روزی بیمار می‌شود. مهم‌تر از آن اینکه بیماری امام، مصلحتی الهی بود که ایشان وظیفه دفاع و جهاد در راه خدا را در آن روز به عهده نداشته باشند تا در آینده بتوانند بار سنگین امانت و امامت را بر دوش بکشند و ۳۵ سال پس از پدر، زعامت جامعه مسلمانان را تداوم بخشند و این‌گونه، دشوارترین دوران امامت شیعه را بگذرانند.^۱

برترین شیوه‌های تبلیغی امام سجاد علیه السلام در: «تیین و توضیح» برای عده‌ای، «سازمان‌دهی» برای جمعی، و «راهنمایی و راهگشایی» برای گروهی دیگر خلاصه می‌شد. در این مسیر، امام سجاد علیه السلام را انسانی بردبار می‌یابیم که در طول ۳۰ تا ۳۵ سال سعی می‌کند زمینه شدیداً نامناسب جهان اسلام را به سویی سوق دهد که در آن میان، خود آن حضرت و یا جانشینانش بتوانند فعالیت‌ها و تلاش‌های اصلی و نهایی را برای ایجاد جامعه و حکومت اسلامی به وجود آورند؛ به طوری‌که اگر ۳۵ سال تلاش امام سجاد علیه السلام را از دوران ۲۵۰ ساله زندگی ائمه علیهم السلام حذف کنیم، قطعاً راه برای امامان بعدی همچون امام باقر و صادق علیهم السلام هموار نمی‌شد تا بتوانند به فعالیت‌های دینی، اجتماعی و علمی بپردازند. بنابراین، امام سجاد علیه السلام زمینه فکری و ذهنی لازم برای ایجاد یک جامعه اسلامی را با همه زحمت و توان‌فرسایی‌اش، در طول سالیانی دراز به عهده گرفت.^۲

۱. برگرفته از: سید علی خامنه‌ای، انسان ۲۵۰ ساله، ص ۱۸۸.

۲. همان، ص ۲۲۱.

پس از واقعه کربلا، امام سجاده علیه السلام در حالی که اسیر و بیمار بود، همانند قهرمانی بزرگ با گفتار و رفتارش حماسه آفرید. «در این دوران، حضرت در نقش یک انقلابی پُرخروشی است که کمترین سخنی را تحمل نمی‌کند و پاسخ‌های دندان‌شکن به دشمنان مقتدر خود می‌دهد»^۱؛ چنان‌که وقتی در شام به مجلس جشن پیروزی یزید بُرده شد، ضمن تحقیر خطیب متملّق دربار اموی، در کرسی خطابه قرار گرفت و با بهره‌گیری از زیباترین و بلیغ‌ترین جملات، فجایع کربلا را بازگو کرد و ضمن افشای چهره زشت جنایتکاران، تبلیغات سوء دشمنان اهل بیت علیهم السلام را خنثا نمود و سیمای سراسر فضیلت و افتخار آل محمد صلی الله علیه و آله را برای مردم ناآگاه شام نمایان ساخت. آن حضرت فرمود:

«ای مردم! به ما شش چیز عطا شده و به هفت نعمت [بر دیگران] برتری یافته‌ایم؛ به ما علم، حلم، جوانمردی، فصاحت، شجاعت و دوستی در دل مؤمنان عطا شده است و ما به اینکه رسول برگزیده خداوند، حضرت محمد صلی الله علیه و آله، و نیز تصدیق‌کننده و جعفر طیار و شیر خدا و رسول او و حسن و حسین علیهم السلام و مهدی این امت از ما هستند، فضیلت داده شده‌ایم.»^۲

در این دوران، حضرت می‌بایست زمینه کار دیگر امامان در آینده را برای حکومت اسلامی فراهم می‌نمود^۳ و تشکیلاتی را زمینه‌سازی می‌کرد که بتواند محور اصلی حرکت‌های سیاسی آتی باشد؛ تشکیلاتی که از دوران امیر مؤمنان علیه السلام ایجاد شد و در جریان عاشورا و واقعه حرّه و قیام مختار تقریباً

۱. سید علی خامنه‌ای، پژوهشی در زندگی امام سجاده، ص ۷، ص ۴۸.

۲. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱۳۷ و ۱۷۴.

۳. برگرفته از: ماهنامه «پاسدار اسلام» وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ش ۶،

زمینه‌هایش متلاشی گردید؛ اما حضرت آن را به طور غیر مستقیم نوسازی و بازسازی نمود.^۱ در مقام تشبیه «می‌توان تبلیغ این دوران امام سجاد علیه السلام را به دوران آغازین دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه تشبیه کرد؛ یعنی چند سال اول دعوت رسول خدا صلی الله علیه و آله که علنی نبود».^۲

استفاده از زبان دعا، از جمله تدابیر تبلیغی امام سجاد علیه السلام بود؛ چراکه حضرت در دوران اختناق زندگی می‌کرد و نمی‌توانست مفاهیم مورد نظر خویش را آشکار و صریح بیان کند. در واقع، چاره‌ای نبود، جز اینکه از شیوه موعظه و دعا استفاده نماید. در غالب بیانات امام سجاد علیه السلام، لحن موعظه وجود دارد و در ضمن بیان نصیحت، مسائل سیاسی - اجتماعی نیز بیان شده است؛ «روش حکیمانه و بسیار زیرکانه‌ای که حضرت با مضمون دعا، آنچه را می‌خواست در ذهن مردم جای بگیرد، به آنها القا می‌نمود و این، بهترین شیوه انتقال و القای عقیده و اندیشه درست است».^۳

مهم‌ترین نکته‌ای که در نیایش‌های امام سجاد علیه السلام جلب توجه می‌کند، اهتمام آن حضرت به بیان «صلوات بر محمد و آل محمد» است. این موضوع، با توجه به عصری که مبارزه با اهل بیت علیهم السلام، در رأس برنامه‌های حکومت اموی بوده و حتی لعن و سب حضرت علی علیه السلام و خاندانش همچنان ترویج می‌شد، شایان دقت است. همچنین، نمایاندن عظمت اهل بیت علیهم السلام و بیان ارزش محبت آنان و توسل به ایشان که در بیشتر دعاهای صحیفه سجادیه وجود دارد، در آن دوران، نوعی مبارزه با دشمنان و مخالفان اهل بیت علیهم السلام به شمار می‌رفت.

۱. برگرفته از: سید علی خامنه‌ای، انسان ۲۵۰ ساله، ص ۱۹۷.

۲. ماهنامه «پاسدار اسلام» وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ش ۱۲، ص ۹.

۳. همان، ش ۹، ص ۱۰.

امام سجاده علیه السلام در دعای بیستم (دعای مکارم الأخلاق) چنین می گوید:

«خدایا! بر محمد و آل او درود بفرست و مرا در مقابل آن که بر من ستم روا دارد، دستی (نیروی) ده و بر آن که با من ستیزه جوید، زبانی (برهانی) بخش و بر کسی که با من دشمنی و عناد ورزد، پیروزی عطا کن و در برابر آن کس که در برابرم به حيله گری و بداندیشی پردازد، راه و تدبیر قرار ده و در برابر کسی که بر من آزار رساند، نیرو عنایت کن و در برابر عیب جویانی که بر من عیب جویی و ناسزاگویی می کنند، توان تکذیب (رد سخنان آنها) ببخش و در برابر خطر تهدید دشمنان، به من امنیت عطا نما...»

در واقع، این بخش از دعا، شکوای است از حضرت در برابر زورگویی های حکومت و کارگزاران عبدالملک، نظیر هشام بن اسماعیل مخزومی، حاکم مدینه. بنابراین، از این جهت، بار سیاسی دارد.

آن حضرت در دعای چهل و هشتم (دعای عید قربان و روز جمعه) می فرماید:

«خدایا! این مقام، مخصوص جانشینان و برگزیدگان تو است و این پایگاه، از آن امنای تو است که آنان را در رتبه بالایی قرار داده ای؛ ولی ستمگران آن را به زور، غصب و تصاحب کرده اند... تا آنجا که برگزیدگان و خلفای تو، مغلوب و مقهور گشته اند؛ در حالی که می بینند احکام تو تغییر یافته، کتاب تو از صحنه عمل دور افتاده، فرایض و واجبات دستخوش تحریف گشته و سنت (وراه و رسم) پیامبرت متروک گشته است. خدایا! دشمنانِ بندگان برگزیده ات از اولین و آخرین و همچنین اتباع و پیروانشان و همه کسانی را که به کارهای آنان راضی هستند، لعنت کن و از رحمت خود دور ساز...»

در این دعا، امام سجاده علیه السلام باصراحت از مسئله امامت و رهبری امت که به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام اختصاص دارد و نیز غصب شدن آن توسط

ستمگران یاد می‌نماید و بدین ترتیب، با زبان دعا مشروعیت حکومت بنی‌امیه و حتی خلفای اول را نفی می‌کند.

نتیجه‌گیری

با بررسی‌های انجام‌شده به دست آمد که آن چهره مظلوم و بی‌صدا و انسانِ سر به‌زیرِ منفعلی که برخی نویسندگان و مداحان بی‌اطلاع، از امام سجاد علیه‌السلام درست کردند، به کلی برخلاف واقع است؛ بلکه چهره حقیقی امام سجاد علیه‌السلام، سیمای یک مبارز و قهرمان خستگی‌ناپذیر و آشتی‌ناپذیر پیگیر است که با تدبیر تمام و با دقت کامل راه‌ها را می‌شناسد و انتخاب می‌کند و به سوی هدف گام برمی‌دارد. نه تنها هرگز خسته نمی‌شود؛ بلکه دشمن را نیز خسته می‌کند. از این رو، «وقتی دستگاه اموی، این دشمن خسته شکست خورده، دید که هیچ کاری نمی‌تواند بکند، به مسموم کردن امام سجاد علیه‌السلام متوسل شد و آن حضرت را به شهادت رساند»^۱.

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب، خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۶۵/۷/۴.